

## خانه تکانی های انقلابی

محمد فتاحی

اول: با پیشروی انقلاب زنانه، نظام بر لبه پرتگاه قرار گرفت. مقدسات و ارزش های حاکم زیر پا لگدمال شد، اسلام گرایی به سوراخ خزید، عمامه ها به هوا پرتاب شد و همه اجناس اسلامی در انتهای بورس معاملات بازار سیاست و زندگی اجتماعی قرار گرفت.

نه فقط این، بلکه رویدادهای ایران بلافاصله باعث شده که اسلام گرایی در سرتاسر جهان پانیک کند! اینها نه احکام و ادعا، که واقعیات سیاسی جهان امروزند. جهانی شدن آهنگ «برای» به عنوان سرود این انقلاب و ترجمه و کپی آن به تمام زبان های زنده امروز، مویید این ادعاست. امروز خوانندگان و نوازندگان از هر رنگ و قوم و نژاد و فرقه ای، بدون دعوت احدی، برای بهترین اجرا، در یک رقابت رقیقانه و عاشقانه شده اند.

دوم: امروز پرچم حق زن، برای اولین بار در تاریخ، صاحب یک رهبری سیاسی شده است. به حکم این انقلاب جهانی، فمینیسم هزاره دوم، و تئوری های ارتجاعی نسبت فرهنگ و پست مدنیسم، سردرگم و وارد بحران شده اند. امروز با پیشروی های انقلاب ایران، جهان تاریک یک مشعل برای رسیدن به روشنیایی، یافته است. ... صفحه ۴



## اعتراضات سراسری به یاد آبان!

اطلاعیه حزب حکمتیست (خطر رسمی)

## جام جهانی و بیداری بشریت

امان کفا

چند روز بیشتر به برگزاری مسابقات جام جهانی فوتبال در قطر مانده است. انتظار می رفت که اینبار نیز فیفا و برگزار کنندگان به روال همیشگی با قول «یادگیری» از انتقادات و مسائل مطرح شده، برگزاری «بهتر» دور بعدی را وعده بدهند. اما اینبار، موج اعتراضات علیه فیفا، علیه فساد این کارتل مالی، علیه کشور میزبان و قوانین قرون وسطایی آن، علیه بردگی کارگرانی که استادبوم های مجلل را ساختند و قربانیان این بردگی، قبل از شروع جام جهانی سایه خود را بر مهمترین واقعه ورزشی جهان گذاشت.



شکی نیست که پروسه انتخاب کشور میزبان این مسابقات، بیش از یک دهه است که تحت تاثیر فشارهای سیاسی لابی ها و دولت ها و همچنین میزان رشوه های داده شده به هیئت های تصمیم گیری و فیفا، و علیرغم ادعای غیر سیاسی بودن تصمیمات ورزشی و منجمله این مسابقات، تابعی از اوضاع سیاسی و اجتماعی جهان انجام گرفته است. ص ۴

## در سومین سالگرد خیزش آبان

اطلاعیه حزب حکمتیست (خطر رسمی)

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست (خط رسمی)

hekmatist.com

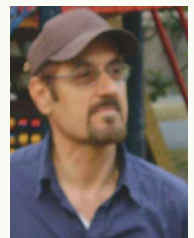
حکمتیست  
بستگی  
۴۳۴

۱۷ نوامبر ۲۰۲۲ - ۲۶ آبان ۱۴۰۱

## نطفه های قیام

مظفر محمدی

در سه روز اخیر و تا امروز ۲۶ آبان نطفه های قیام در برخی از شهرهای کردستان از جمله بوکان بسته شد. چشم جنبش انقلابی ایران به تهران دوخته شده است. قیام نهایی در تهران ثبت می شود. نیروی اصلی این قیام ده ها هزار زن و دختر جوانی است که در پیشاپیش جوانان و مردم شهر، بدون حجاب اجباری خیابان های تهران را به تصرف خود در می آورند.



اعتراضات و اعتصابات عمومی در اکثر شهرهای ایران در سه روز اخیر خیزش انقلابی را گام بزرگی به جلو برده است. این پاسخی کوبنده بر دهان قاضی صلواتی و همپالگی هایش است که مشغول صدور احکام اعدام برای بازداشت شدگان جنبش و در خیال مرعوب کردن جامعه است. اما طناب داری که قاضی صلواتی می خواهد برای انقلابیون برپا کند، طنابی است بر گردن خود و نظامش. قبل از این که نظام تبهکار اسلامی به درک واصل شود، قاضی صلواتی گور خود را کنده است. همین روزها مردم تهران این جنایتکار و قاتل حرفه ای را تنبیه خواهند کرد. شعله های قیام از بوکان به سنندج و تبریز و تهران زبانه خواهد کشید. سقوط حتی یک روز زودتر نظام پلیید جمهوری اسلامی یعنی جلوگیری از کشتار انسان های بیشتر از زندان تا خیابان ها و میادین شهرها است. ایران این روزها آبستت حوادث انقلابی گوناگونی است. اتفاقاتی که نه خودبخود بلکه آگاهانه و طبق نقشه ی فعالین و رهبران کارگری و زنان و جوانان و دانشجویان و زحمتکشان محلات حاشیه شهرها به ظهور می رسند.

روند این تحول را می توان در اشکال متنوع مبارزه چنین تعریف کرد:

- اعتصاب سراسری کارگران حمل و نقل و خدمات شهری و شهرداری ها و آب و برق و بهداشت بویژه در تهران.
- اعتصابات عمومی سراسری بازاریان بدون وقفه یا به تناوب در طول هر هفته.
- اعتصابات کارگری مراکز کلیدی چون نفت و گاز و پتروشیمی ها و فولاد و ماشین سازی ها و ذوب آهن...
- گسترش اعتصابات دانشجویی در همه ی دانشگاه های کشور با شرکت اکثریت دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب با سازماندهی رهبری سراسری و واحد جنبش دانشجویی ... صفحه ۲

آزادی  
برابری  
حکومت کارگری

مردم آزادیخواه ایران!  
کارگران!  
جوانان!

## اعتراضات سراسری به یاد آبان!

اعتراضات وسیع و آزادیخواهانه شما، سراسر ایران را فراگرفته و صدای حق طلبی شما جهان را به حمایت کشانده است. اکنون اعتراض شما مردم آزادیخواه، در همه شهرها، مراکز کارگری، دانشگاهها و محلات و میادین شهرها بطور اساسی برای سرنگونی جمهوری اسلامی، برای جامعه ای آزاد و برابر و انسانی، برای آزادی زن و رفاه و امنیت مردم، سیمای جامعه ایران را عوض کرده و حکم به رفتن جمهوری اسلامی داده است. شما نه تنها رفتن جمهوری اسلامی که بعلاوه به روشنی در شعارهای خود اعلام میکنید که خواهان رفاه و عدالت و برابری، و خواهان بدست گرفتن سرنوشت جامعه بدست خود هستید.

جمهوری اسلامی برای مقابله با دهها میلیون مردم آزادیخواه، همه راهها و نقشه های شوم را آزمایش کرده و یکی پس از دیگری شکست خورده است. اکنون هم با احکام زندان برای عزیزان ما، با احکام اعدام مبارزین و آزادیخواهان در زندان، با تهدید و ارباب، در تلاش است این دوره را به خیال خود از سر بگذراند و جنبش آزادیخواهانه ما را به شکست بکشاند. در آبان ۹۸ با همین هدف در مدت سه روز جان ۱۵۰۰ نفر از مردم حق طلب را گرفت. امروز نسل جوان و مردم آزادیخواه نشان دادند که اعتراضات دیماه ۹۶ و آبان ۹۸ ادامه دارد. نشان دادند که با هر حکم اعدامی، با هر جانی که گرفته میشود، مردم آزادیخواه با اتحاد و همبستگی وسیعتر و آگاهانه تر، عرصه را بر حاکمیت تنگ تر و روز مرگ و سرنگونی آن را نزدیکتر میکنند.

این حکومت باید برود! این حکم مردم ایران برای پایان دادن به ۴۳ سال فقر و محرومیت، زندان و شکنجه، استثمار و بی حقوقی، زن ستیزی و جنایت و استبداد است.

اکنون و برای سرنگونی این نظام هر روز در گوشه ای از ایران شاهد شکلگیری نهادهای، تشکلات و سازمان های کارگری، مردمی، جوانان، دانشجوی و بازنشسته و معلم و... هستیم. این ابزار ما برای تامین اتحاد سراسری، برای تضمین پیروزی نه تنها بر جمهوری اسلامی که بعلاوه برای تضمین حاکمیت مردم بر سرنوشت خود و برای تضمین جامعه ای آزاد، برابر و مرفه است. حزب حکمتیست (خط رسمی) همراه شما در این مسیر و برای سازمانیابی وسیع مردم آزادیخواه در شورهای مردمی و تشکلات کارگری، در انواع نهادهای جوانان در محلات، زنان، دانشجویان و اقشار مختلف مردم محروم از هیچ تلاشی کوتاهی نمیکند. این حکومت را باید سرنگون کرد و ابزار ما در این مسیر اتحاد وسیع ما در نهادها و تشکلات ما است.

زنده باد آزادی و برابری  
مرگ بر جمهوری اسلامی

حزب حکمتیست (خط رسمی)  
۱۷ نوامبر ۲۰۲۲ - ۲۶ آبان ۱۴۰۱

در سه روز گذشته سه شنبه، چهارشنبه و پنجشنبه ۲۴، ۲۵ و ۲۶ آبان، سراسر ایران میدان جدال مردم آزادیخواه با جمهوری اسلامی بود. در این روزها در دهها شهر ایران، در بسیاری از دانشگاهها و مدارس و محلات از جمله در مناطق و محلات مختلف تهران بزرگ، در اصفهان، شیراز، سنندج، مهاباد، بوکان، سقز، کامیاران، کرمانشاه، تبریز، ایذه، گیلان، یزد، کرمان، بابل، رشت، گرگان، کرج، بوشهر، لاهیجان، قائم شهر، و بسیاری از شهرهای دیگر و حتی روستاها، شاهد انواع تجمعات اعتراضی علیه جمهوری اسلامی، به یاد جانباختگان آبان ۹۸ و به یاد همه عزیزانی که در این روزها توسط جمهوری اسلامی کشته شدند بودیم. در بسیاری از این شهرها مردم با بستن بازار و اعتصاب عمومی، به اعتراضات پیوستند. جمهوری اسلامی علیرغم تهدیدهای مکرر و گسیل نیروهای نظامی، گاردهای ویژه و مزدوران اطلاعاتی و لباس شخصی و همه اقداماتی که کرده بود، نتوانست مانع تجمعات وسیع مردم در شهرهای مختلف ایران شود.

مردم آزادیخواه در این تجمعات با شعارهای آزادیخواهانه مانند، «آزادی، آزادی، آزادی»، «بسیجی سپاهی، داعش ما شمای»، «این آخرین پیامه، هدف کل نظامه»، «رهبر ما کارگران، سنگر ما خیابان»، «از کردستان تا جهرم قدرت بدست مردم»، «از کردستان تا جلفا، قدرت بدست شورا»، «نه ملا، نه شاهی، حکومت شورایی»، «حکومت بیچاره، آبان ادامه دارد»، «فقر و فساد گرونی، میریم تا سرنگونی» و... خواهان سرنگونی جمهوری اسلامی، آزادی های سیاسی، رفاه و برابری و آزادی زن شدند و چون تنی واحد از شمال تا جنوب و از شرق تا غرب دست به تجمعات مختلف زدند.

در کنار اعتراضات وسیع مردم، کارگران ذوب آهن اصفهان نیز در روز ۲۴ آبان دست به اعتصاب زدند و خواهان تامین مطالبات خود شدند. تلاشهای فریبکارانه حکومت و واریز کردن مقداری پول ناچیز به حساب کارگران با هدف ساکت کردن آنها، به جایی نرسید و کارگران ذوب آهن اعلام کردند تا رسیدن به همه مطالبات خود و از جمله افزایش دستمزدها، اجرای طرح طبقه بندی مشاغل و... به اعتصاب خود ادامه میدهند. اعتصابات کارگران ذوب آهن، اعتراضات و اعتصابات کارگری در همین مدت اخیر، در فولاد و کارگران مراکز گاز و نفت و پتروشیمی ها و انواع اعتراضات دیگر در مراکز کارگری، گوشه ای دیگر از حق طلبی طبقه کارگر و مردم محروم، اعتراض به فقر و گرانی و استثمار را به نمایش میگذارد که امروز در سراسر ایران، هر روز در گوشه ای سر بلند میکند و علیه وضع موجود کیفرخواست یک طبقه را به وسعت ایران به نمایش میگذارد.

در دل این تحولات:

نطفه های قیام...

- اولاً، طبقه کارگر در مجامع و شوراهای کارگری برای هدایت مستقیم و منظم اعتصابات سراسری طبقه کارگر و ایفای نقش رهبری جنبش انقلابی، خود را سازمان می دهد.

- دوماً، شوراهای مردم محلات شهرها سازمان می یابند و به مثابه شوراهای پایه ی قدرت شورایی از پایین ابزار وجود می کنند.

- سوم و بالاخره، در فردای پیروزی جنبش انقلابی و قیام سراسری، کنگره سراسری شوراهای مردمی از نمایندگان شوراهای کارگران و مردم محلات و دیگر اقشار زحمتکش جامعه بر پا می گردد.

حزب ما در دل و پروسه ی این تحول طبقاتی و تاریخی، تلاش می کند به همراه کارگران کمونیست و سوسیالیست های انقلابی جامعه، کمونیسم را به ابزار مبارزه و اتحاد طبقه کارگر، کسب قدرت سیاسی کارگری و برقراری جامعه ی آزاد و برابر و سوسیالیستی تبدیل کند!

پیش به سوی خیزش توده ای و میلیونی کارگران و زحمتکشان زن و مرد و پیر و جوان در سراسر ایران  
زنده باد آزادی، برابری، حکومت شورایی

- توده ای شدن اعتراضات خیابانی و محلات شهرها و فلج و سراسیمه کردن نیروهای سرکوب.

- سازماندهی گاردهای انتظامات اعتراضات از آگاه ترین انقلابیون برای انجام وظایف هدایت و تنظیم اعتراضات خیابانی و کم کردن تلفات جانی تظاهر کنندگان در محلات و خیابان ها.

- ارسال این پیام به سرکوبگران و قاتلان قوه قضائیه که در مقابل هر ضربه که می زنند صد ضربه می خورند. در مقابل هر گلوله ای که به سینه یک انقلابی خیابان شلیک می کنند و اعدام هر زندانی، ده قاتل آمر و عامل از علم الهدای مشهد که از پیشی و با فتوای پاشیدن اسید به روی دختران، مجرم است، تا قاضی صلواتی قاتل حرفه ای و رییس اش از ای جنایتکار و دستیار ریسی در کشتار جمعی دهه ی ۶۰ و از دستیار رییس مجلس که گفته است در خیابان شیرینی پخش می شود و البته که می کشند و ۲۲۷ نماینده ی مجلس اسلامی که حکم اعدام کلیه معترضین بازداشتی را صادر کرده اند و فرماندهان میدانی کشتار انقلابیون... توسط گاردهای مسلح انقلاب به درک فرستاده می شوند. این برای انقلابیون جنگی عادلانه در مقابل جنگ ناعادلانه و نابرابر دشمن تا دندان مسلح است.

## در سومین سالگرد خیزش آبان

اکنون که در سومین سالگرد خیزش انقلابی آبان هستیم درسهای آبان برای جنبش انقلابی جاری بسیار با اهمیت است. ساده نگری است اگر تصور شود آبان سرکوب شد، ادامه نداشت و در نتیجه شکست خورد. این حقیقت ندارد. آتشی که زحمتکشان ایران از دیماه ۹۶ تا امروز افروخته اند، هیچگاه شعله اش خاموش نشده است. خیزش گرسنگان دی ماه ۹۶ و متعاقبا آبان ۹۸ جامعه ایران را لرزاند و درسی به رژیم داد که نمی توانست بعد از این مثل سابق حکومت کند. اگر چه رژیم در آبان حمام خون راه انداخت و در فاصله سه روز ۱۵۰۰ نفر را کشت و بیش از ده هزار نفر را بازداشت کرد، اما این خیزش انقلابی و کوبنده، سه سال است که کابوس شبانه روز سران نظام اسلامی سرمایه است. در آبان ۹۸ ده ها هزار نفر از محروم ترین اقشار جامعه در محلات حاشیه شهرها بپا خاستند و به رژیمی که سفره خالی مردم را نشانه گرفته بود، پیام دادند که اکثریت محرومان جامعه نمی خواهند مثل سابق زندگی کنند و سهم شان را از ثروتی که خود تولید کرده اند، می خواهند.

چه قبل و چه پس از آبان و در ادامه آن جامعه شاهد اعتصابات کوبنده کارگری در هفت تپه، فولاد، معادن، آذر آب، هپکو و دیگر بخشهای طبقه کارگر، بود. امروز در همراهی و همبستگی با جنبش انقلابی جوانان بویژه دختران جوان از دبیرستان ها تا دانشگاه ها، شاهد شروع اعتصابات کارگران نفت، پتروشیمی ها و فولاد و دیگر بخشهای طبقه کارگر هستیم. صدای پای طبقه کارگر کل نظام پلید سرمایه و سرکوب را به وحشت انداخته است.

جمهوری اسلامی که از ضربه اعتراض توده ای زحمتکشان در آبان ماه علیه فقر و فلاکت و برای معیشت و زندگی بهتر، کمر راست نکرده، آوار خیزش شهریور ۱۴۰۱ بر سر خراب شده است.

با احترام به هزاران خانواده قربانیان آبان، یاد جانباختگان خیزش انقلابی و شورش گرسنگان آبان ۹۸ را گرامی می داریم و اسرای آبان را فراموش نکرده ایم.

جنبش انقلابی ایران، سومین سالگرد آبان ۹۸ را به یاد می آورد تا بگوید که خیزشهای دی ماه ۹۶ و آبان ۹۸ تا شهریور ۱۴۰۱ در ادامه هم و برای تصفیه حساب نهایی با

نظامی است که در سرایشی سقوط قرار گرفته است. جمهوری اسلامی با کشتار جمعی و جنایتی سهمناک خیزش آبان را سرکوب کرد. کاری که می خواست با کشتار مردم زاهدان و کردستان امروز تکرار کند. اما تداوم جنبش انقلابی، کشتار های انتقامجویانه و همه سناریوهای پلیدشان برای سرکوب را بر باد داده است. رژیمی که طبل رسوائیش از بلوچستان تا کردستان و از اهواز تا تبریز و تهران و... تا میادین شهرهای بزرگ جهان، بر بام ها زده شده است.

اگر خاطره آبان ۹۸، یادآور قیام زحمتکشان حاشیه شهرها، برای خاتمه دادن به فقر و فلاکت و گرسنگی محض است، امروز شرایط کار و زندگی مشقت بار بیست میلیون کارگرشاغل و بالغ بر ده میلیون کارگر بیکار و جوان دختر و پسر بدون افق و چشم انداز زندگی بهتر و محروم از آزادیهای ابتدایی و دیگر بخش های جامعه از جمله فرهنگیان و بازنشسته و پرستاران و دیگر زحمتکشان دستفروش و کولبر و سوختر و کارتن خواب ها و... نه تنها بهتر نشده بلکه در سه سال اخیر بیشتر و بیشتر به اعماق تنگدستی و زندگی در فقر مطلق فرو رفته است. همزمان سرکوب ها و تحقیر و تبعیض و ستم بر زنان تشدید شده است.

امروز در شرایط فلاکتبارتر از گذشته، پیام جنبش انقلابی جاری به کارگران و زحمتکشان سراسر ایران در محلات و محل های کار و زندگی این است که، خشمگین تر، نیرومندتر و سازمان یافته تر از گذشته به میدان مبارزه ای قدم بگذارند که پیشقراولان جامعه یعنی جوانان بویژه دختران و زنان و در دانشگاه ها، به مدت دو ماه است، پرچمش را بر افراشته و مثل آتش زیر خاکستر سر بر آورده است.

جنبش برای سرنگونی و آزادی و برابری، مشعلی است که از دیماه ۹۶ روشن و در اعتصابات شکوهمند کارگری و آبان ۹۸ تا شهریور ۱۴۰۱ دست به دست آمده است. مشعلی که در فردای پیروزی، انقلابیون کارگر و زحمتکش و زن و جوان و پسر و نوجوانان ما آن را در میدان آزادی تهران بر ستونی بلند تر از برج میلاد قرار می دهند و دور تا دور این میدان بزرگ جشن سرنگونی یک رژیم جانی و قاتل و دزد و فاسد و تبهکار با جمعیت میلیونی مردم بر پا کرده و سرود آزادی می خوانند. فردایی که در همه میادین شهرهای ایران پرچم سرخ انقلابیون، با افق آزادی و برابری و سوسیالیسم و دنیای بهتر برافراشته می شود.

حزب حکمتیست (خط رسمی)

۲۳ آبان ۱۴۰۱ - ۱۴ نوامبر ۲۰۲۲

### جام جهانی و بیداری....

علیرغم ادعای سنتی فیفا که «این برنامه ای ورزشی است، و همچون المپیک و دیگر مسابقات جهانی ربطی به سیاست و روابط بین کشورها ندارد» و خود را نهادی «مستقل» از این روابط معرفی کرده است، در زمان برگزاری مسابقات، «تحریم های دیپلماتیک» و «عدم حضور هیئت های رسمی و دولتی» این با آن کشور، کم سابقه نبوده و نیست. امسال اما ژست استقلال سیاسی فیفا و جام جهانی فوتبال، قادر به پاسخگویی به موج اعتراضات علیه انتخاب قطر در این دوره نبود و نیست. مهمتر اینکه فیفا با شروع جنگ اوکراین در فوریه، تصمیم به عدم اجازه شرکت روسیه در این مسابقات ورزشی را اعلام کرده بود. فضاقت تصمیم سیاسی فیفا در کنار رو شدن اقتضاح های مالی، رشوه گیری ها و فساد مالی در فیفا به حدی رسیده است که حتی رئیس سابق این کارتل مالی ادعا میکند که «اصلا معلوم نیست چرا قطر بعنوان میزبان انتخاب شده است!»

اعتراضات ایندوره، بر خلاف سالهای گذشته نه از طرف دولت ها و میدیا، در پی منافع کشوری و منطقه ای خود، بلکه از جانب بشریت متمدنی است که دیگر خریدار اراجیف فیفا و دولت های گوناگون نیست. اینبار این مردم هستند که با اعتراضات خود و بایکوت جام جهانی امسال، آنچنان فشاری به قطر و فیفا آورده اند که وزاری قطر و مسئولین فیفا را وادار به پاسخگویی و توجیه جنایت و کثافت کاری های خود کرده اند.

طبق آمار رسمی سازمان جهانی کار، تنها در طی ده سال پس از انتخاب شدن به مثابه میزبان مسابقات، ۵ تا ۶ هزار کارگر مهاجر از نپال، هندوستان، پاکستان، بنگلادش و سریلانکا، جان خود را از دست داده اند. این آمار تنها قربانیان تا پایان سال ۲۰۲۰ را در بر می گیرد و کارگران مهاجر کشورهای آفریقایی، منجمله کنیا، و یا خاور دور که بسیاری از آنان در هیچ جا رسماً ثبت نشده اند در این آمار جایی ندارند.

دولت قطر حتی به خود زحمت ثبت دلیل و شرایط جان باخت کارگران را نداده است. بسیاری از کارگران مبالغ قابل توجهی را از پیش برای کار کردن در قطر به دلالتان کار پرداخت کرده اند و کماکان فشار بازپرداخت قرض ها را بر عهده داشته و دارند. کارگرانی که در گرمای طاقت فرسا بخصوص در تابستان ها، با عدم دسترسی به حداقل شرایط اسکان و بهداشتی، به کار گرفته شده اند و بسیاری از آن ها با انواع بیماری های دست بگریبان هستند، همه و همه بخشی از امکاناتی است که استادیوم ها و مراکز مسابقات و غیره را برای قطر و دستیابی به کرسی برگزار کننده مسابقات را فراهم ساخته است. دولت قطر و فیفا قادر نشدند این واقعیات را از چشم جهانیان مخفی کنند. مسابقات جام جهانی امسال از همان ابتدا مهر بردگی کارگران و قتل خاموش

آنان را بر خود داشت و به حق مورد اعتراض وسیع مردم جهان قرار گرفت. دول «متمدن» و مدافع «حقوق بشر» و «دمکرات» در مقابل این جنایت به روال همیشگی سکوت کردند.

علاوه بر این، انواع قوانین در محدود کردن آزادی های مدنی شرکت کنندگان، مانند محدودیت ها بر حضور گروه های ال جی بی تی، مذاهب غیر اسلامی، .. همگی اعتراضات عمومی جهانی را تشدید کرد. عکس العمل و انزجار از این درجه از توحش حاکمان قطر نسبت به کارگران، سلب آزادی های فردی و اجتماعی و صحنه گذاشتن بر آن توسط مسئولین فیفا، تا بحال سابقه نداشته است. بی دلیل نیست که امسال نظر سنجی ها برای نمونه در اروپا حاکی از تحریم های گسترده و عدم شرکت علاقمندان فوتبال در استادیوم های قطر و حتی تماشا نکردن مسابقات در برنامه های تلویزیونی ها است.

عکس العمل ایندوره مردم در سرتاسر جهان به توحش و بردگی حاکم در قطر، به پز «غیر سیاسی» بودن فیفا و تصمیمات آن، پز دولتها در استقلال ورزش، هنر و... از سیاست، تمکین نکردن به ادعاهای دولتهای «متمدن» و نهادهای «ورزشی» جهانی بی نظیر است. امروز جهانیان به این واقعیت که همه چیز از ورزش و هنر تا ارزش انسانها، از آزادی و حرمت تا حق حیات در این جهان سیاسی است. اینرا برخورد ریاکارانه دول غربی به فراریان جنگ در سوریه و لیبی و یمن و عراق و افغانستان با فراریان از جنگ اوکراین، سکوت شرم آورشان در مقابل قتل عام مردم بیگناه فلسطین، خفقان گرفتار دول فخریه غربی در مقابل کشتار کارگران مهاجر در قطر و ... به مردم متمدن جهان ثابت کرد.

ویژگی مسابقات جام جهانی در قطر نه اعتراض های آبیکی دول غربی به «برخی» محدودیت ها برای «شهروندان غربی» که اعتراض جهانی مردم متمدن به فساد و بیحقوقی بنیادی در قطر، در فیفا و تمام دولتها است. تغییر مرکزیت اعتراض از دولت ها به مردم، به مردمی که هیچ نفعی در این تضییقات و استثمار ندارند، نشانگر اوضاع دیگری در دنیای امروز است. دنیایی که نشان از تقابل های جدی، علیه وضعیت وخیم اقتصادی، انداختن بار بحران اقتصادی آهیم پس از قربانی دادن وسیع میلیون ها نفر در مقابل با کرونا به دوش طبقه کارگر و اقشار تهیدست دارد. جهان شاهد سربلند کردن جنبش های اجتماعی و واقعی است که حاضر به قبول کردن سیاست های دولت های حاکم، و گروگان رفتن هنر، تفریح و ورزش سالم در دست بنیادهای فاسدی چون فیفا نیست. غول خفته بشریت مدتها است از خواب بیدار شده است.

برنده مسابقات قطر بشریت متمدنی است که به بردگی مزدی، به بیحقوقی، به فساد مالی، به گروگان گرفتن زندگی و شادی خود، نه میگویند. بازار کساد این مسابقات گواه این ادعا است.



انقلاب سوم ایران میرود تغییرات بسیار عظیم تری در فرهنگ و سیاست جهان در برخورد به حق زن و حق انسان، ایجاد کند.

سوم: انقلاب زنانه در درون خانه خود، اپوزیسیون های ارتجاعی و ضد زن و مردسالار را ازبود کرده است. سلطنت طلبی، فاشیسم آریایی، عظمت طلبی ناسیونالیسم ایرانی و ملیت پرستانه و شارلاتانیسم اینها، بدون فشار هیچ جنبش افشاگرانه ای، تنها و تنها به قدرت اثباتی انقلاب، بی اقبال و بی آبرو و حتی نزد متحدین تاریخی خود در غرب، بی پشتوانه و فاقد اعتبارند. شکست اینها از دوران رژیم چپ آمریکایی تا به امروز پشت سر هم تکرار شده است. انتظار اینها برای سازماندهی یک انقلاب مخملی در دل همین انقلاب زنانه تا اینجا ناکام مانده است. امروز پروژه دمیدن در کالبد پادشاهی برای همیشه مرده است.

چهارم: بازار ناسیونالیسم فدرالیست چپ تماما تعطیل شده است! کسی از آخرین جلسه «ملت های فدرال ایران» خبری در میدیای ارتجاع غربی و تلویزیون عربستان، چیزی شنیده است؟ در غیبت حضور سران خودگمارده «اقوام»، دفتر این نوزاد نقشه امریکایی «خاورمیانه بزرگ»، برای همیشه بسته شده است. استادیوم تیم فوتبال تراکتورسازی تبریز، صدای شوم شعار قومی «کرد، فارس، ارمنی، آذربایجان دشمنی» را برای همیشه دفن و پرچم های خونین آنرا سوزانده اند. امروز نه فقط خوزستان و بلوچستان و کردستان و آذربایجان، که همه جای ایران، چشم و چراغ همدیگرند.

پنجم: قوم گرایی در کردستان بازنده اصلی بازار «اقوام و ملل و طوایف فدرال» است. اگر قومی گری در آذربایجان تاریخا ناموجود بوده است! اگر قومی گری در خوزستان، به دنبال شیخ خزعل در یک قرن پیش، در تمام تاریخ خود، روی زمین سفت پدیده زنده ای در حیات سیاسی کشور نبوده است، اگر در مناطقی مانند ترکمن صحرا و بلوچستان، علیرغم تمام تفرقه های بی ثمر آمریکا در دوران سیاست رژیم چپ، به سختی توانستند چند نفر را برای شکل دادن به نهادهای «حقوق بشر قومی» دست و پا کنند که به سرعت منقرض شدند، در کردستان ایران اما، بوری زمین سفت، یک جنبش ناسیونالیستی با پایه های اجتماعی و تاریخی و سیاسی حضور داشت. جنبشی متشکل و متحرز که به تبعیت از طرح های آمریکا، در بدو شروع عملی کردن نقشه «خاورمیانه بزرگ»، همراه بقیه «سران اقوام» به عنوان یک جنبش قومی مطرح، قد علم کردند. تا جایی که حتی عنوان کردستان هم، طبق همان نقشه، از کردستان به «روژهلات» تغییر نام داده شد. در زبان کردی، «روژهلات» به معنی مترقی است. طبق نقشه «خاورمیانه بزرگ» آمریکا، «کردستان بزرگ» قرار بود شامل چهار منطقه کردنشین ایران و عراق و ترکیه و سوریه شود، که در آن جغرافیا، کردستان ایران بخش شرقی آن کشور می شد؛ همانطوریکه «آذربایجان جنوبی» قرار بود بخش جنوبی کشور بزرگ آذربایجان به همراه جمهوری آذربایجان فعلی باشد. همانطوریکه طبق آن نقشه، قرار بود خوزستان هم بخشی از یک کشور عربی تازه ساخت بشود. این نقشه ویرانی زیرساخت های یک جامعه مدرن و تبدیل ایران به میدان جنگ های قومی، ناکام ماند. آن جنگ های نیابتی قوم پرستان کرد برای کمک به عربستان هم به سنگ سخت مقاومت مردم ایران و اساسا مردم در کردستان خورد و نقشه بالکانیزه کردن ایران نگرفت. تاریخ سیاسی گذشته و عبور ایران از گذرگاه انقلاب مشروطه، به اضافه ضمیر ناخود آگاه یک جامعه انتگره، به تدریج کمر راست کرده و آهسته اما مداوم خود را برای شروع انقلاب سوم آماده کرد. امروز انقلاب جاری، تمام نقشه های قومی گری و تقسیم کشور به صد و یک ملت و قوم و قبیله را جارو کرده است. امروز از قومی گری در کردستان، چیزی جز یک سماجت ناسیونالیسم قومی، برای حمل جنازه «روژهلات» شان، باقی نگذاشته و جامعه کردستان مثل همیشه به عنوان کردستان ایران، بشاش و سرزنده و با اقتضار و سربلند باقی مانده تا در اتحاد با بقیه خواهران و برادران متحد طبیعی خود، سرنوشت سیاسی اش را از هر چه تاریکی و تباهی، پاکسازی کند. به همین دلیل تقریبا تمام عناوین قومی از فرهنگ سیاسی مردم در کردستان جارو شده است. دیگر عنوان توهین آمیز قومی «کرد» به فعال انقلابی این روزها در کردستان نمی چسبید. تا قبل از شروع این انقلاب، فعال مدنی «کرد»، معلم مبارز «کرد»، فعال کارگری «کرد»، زن مبارز «کرد»، القاب شیک جنبش قوم پرستی در کردستان ایران بود. این القاب امروز با شروع انقلاب سوم، تماما کهنه و از صحنه سیاسی امروز جارو شده اند. امروز همه از زن و مرد و پیر و جوان، دسته جمعی بخشی از حاضران در صحنه انقلاب سراسری ایران امروزند، که به نفع رهایی انقلابی این روزها، دسته جمعی هویت های بی سر آمده تاریخی قومی و مذهبی و طایفه ای و قبیله ای را به نفع یک هویت متحد و انسانی، از سیاست روز جدا کرده و یا آنها را از قبل دور ریخته اند. فاکتور مهم دیگری که زیر پای قومی گری ناسیونالیسم قومی را جارو کرده است، کنار نهادن متعلقات قومی و قبیله ای در متن همین انقلاب است. فرهنگ و مقدسات و ارزش های عهد بوق طوایف و قبایل چادرنشین و دامدار سده های قبل از دوران شهرنشینی، دیگر نزد احدی جز خود ناسیونالیست های قومی پرجای نمانده است. لباس کردی، فرهنگ کردی، آداب و رسوم قبایل پیشین کرد در کردستان، حتی در دوردست ترین روستاهای مرزی و در میان محروم ترین های جامعه هم، جز مقدسات کسی جز خود قوم پرستان نیست.

مقدسات و هویت ها و ارزش های عهد بوق، امروزه سالهای متمادی است که جزو داده های زندگی شهری در هیچ کجا و از جمله در کردستان ایران نیستند. اگر فراخوان دسته جمعی احزاب قومی برای پوشیدن لباس کردی در اعتصاب و اعتراض شان، بی جواب میماند، ناشی از تغییرات عمیق تر در ارزشهای این جامعه شهری و مدرن است. امروز دیگر هیچ ناسیونالیست قومی جرات طرح حقوق متفاوت برای زن، بر مبنای قومیت و ملیت متفاوت، نیست؛ همگی یک آزادی و برابری تمام عیار و عاری از تبعیض را طلب میکنند.

ششم: چپ قومی و فدرالیستی، از قربانیان بی دست و پای این دوره است. اگر قومی گری جارو شده است، اگر تقسیم کشور به هفتاد و دو ملت و قوم و قبیله بازارش تخته شده و حتی به قدرت تهدیدات جنگی و تولید رعب وحشت و تحریم اقتصادی و جنگ روانی هم قادر به جای دادن آن در حلقوم جامعه نشد، تزیین آن در حلقوم انقلابیون انقلاب زنانه امروز، توسط خدای چپ خلقی هم، یک غیرممکن صد در صد است.

صد است. جامعه ای که سناریوهای قومی متعدد را حتی در دوران شرایط سخت، کنار زد و مانع بالکانیزه شدن ایران شد، چرا به چرندیات قومی و فدرالیستی حتی برای یک لحظه گوش دهد؟ و امیدهد! اگر جوان نسل امروزی داستان اتهام امپریالیستی و بورژوازی بودن حق زن در انقلاب ۵۷ توسط همین سنت ارتجاعی چپ را تجربه نکرده است، اما تعلق اینها به نسل دوران های سپری شده تاریخ را قبل از هر چیزی بو می کند.

قضیه این نیست که این نسل گویا فقط فاشیسم و ملیت پرستانه ناسیونالیسم ایرانی مردسالار و کهنه گرا را نمی خواهد؛ بوی تعفن شرقی گری در سنت چپ اسلام زده، به مراتب غیربهداشتی تر و غیر قابل تحمل تر است. جریانات سیاسی ازجنس طایفه حزب توده، که امثال اکثریت و راه کارگری ها و جمع های شناور در مجمع الجزایر فدایی و نزدیکان شان در میان چپ های هوادار حقوق ملت ها، سنت فدایی تا هواداران تا دیروز «جنبش انقلابی کردستان و آذربایجان و لرستان و بلوچستان و ترکمنستان و خوزستان و...» قربانیان فوری این انقلاب اند. اگر شکست انقلاب ۵۷ مانع ارسال ادبیات این سنت سیاسی به اشغال دانی تاریخ شد، انقلاب زنانه امروز در همین دو ماه گذشته نشان داد که با هیچ گونه کهنه پرستی قومی و قبیله ای و مذهبی اقوام و ملل، سر سازش ندارد.

هفتم: قربانی دیگری این انقلاب، جریان ایست که در سمت چپ سلطنت طلبان و فاشیست های آریایی، تابلوی جعلی «کمونیست کارگری» را حمل می کند. این موجود ناجالب، که توسط حمید تقوایی رهبری میشود، همانی است که آرزوی سوریه ای شدن ایران را داشت، هوادار پسر و پا قرص ترامپ فاشیست بود، هوادار دخالت «انقلابی» ناتو در لیبی بود، هوادار دولت فاشیست اوکراین در جنگ روسیه و ناتو بود و هست. مدافع پیوست چپ و کمونیسم به راست افراطی است. در شرایطی که جبهه راست مشغول پیشبرد پروژه های خود به کمک دخالت قدرت های غربی برای ممانعت از پیشروی های این انقلاب و جایگزینی اسلاميون با یک حکومت بی عمامه از همان جنس است و تمام تقلایش برای سازماندهی یک انقلاب مخملی از جنس اوکراین سال ۲۰۱۴ در ایران است.

این جریان امروز در بحران است. علت اصلی این بحران، امروز به دلیل این راست گرایی و تناقض موجودیت اینها به اهداف اینها با منافع کارگری نیست، چون بی ربطی اینها به کارگر و کمونیسم، مشکلی اگر بود، سالها قبل با آن کنار آمدند. مشکل اصلی اینها تناقض جهتگیری انقلاب جاری با اهداف استراتژیک اینهاست؛ انقلاب جاری تا این لحظه، جایی برای یک انقلاب مخملی مورد علاقه شان باقی نگذاشته است. جریان دست راستی در اپوزیسیون ناتوان از جلب حمایت غرب برای دولت در تبعید اوست. گره خوردن استراتژی اینها به نقشه های راست افراطی، اینها را آچمز کرده است. بعلاوه، مراجعه مکرر کمپینهای حزب تقوایی و پارگری های مداوم از میان دست راستی ترین های سیاست در غرب، تا این لحظه، موجب تحویل اینها در دالان های قدرت و کریدرهای پارلمانی را فراهم نکرد. نه دولتی سفارت های جمهوری اسلامی را به درخواست اینها بست، نه سازمان مللی سران جمهوری اسلامی را برای اینها به دادگاه معرفی کرد. نتیجتا امروز که جمهوری اسلامی زیر فشار انقلابی به لبه پرتگاه برده شده است، یآوری از میان دول غربی برای اینها پیدا نمی شود. نزد اینها، تمام تفرقه های برای جلب توجه قدرت های غربی تا این لحظه بی غش، بی فایده، کفایت بود تا سازمان ملل اینها و استراتژیست اصلی شان یعنی رضا پهلوی را تحویل گرفته بود؛ اگر حتی یک قدرت غربی پشت پروژه رژیم چپ و یا انقلاب مخملی اینها رفته بود، امروز دولت موقت راست معرفی، و این جناح چپ جنبش آقای پهلوی، یعنی آقای تقوای، شاد و قیفاق روی خط بود.

اما این بن بست برای هر نیرویی بسته به ظرفیت های مختلف، عوارض متفاوتی دارد؛ اگر رضا پهلوی با اتکا به پول و امکانات تبلیغاتی و پشتوانه طیف های متعدد راست قادر به هوا کردن پروژه های مختلف شکست خورده است، دست این دومی برای اتخاذ سیاست های فصلی، بسته است؛ چون ایجاد شیفت در درون یک سکت سیاسی، آتیم به شکل فصلی، اگر غیر ممکن نباشد بسیار سخت است. به همین دلیل، اگر این مشکل سیاسی در جبهه رضا پهلوی و راست افراطی، موجبات یک غیبت مدیایی دوره ای و یک افسردگی سیاسی مقطعی میشود، برای این دومی، هر بار یک بحران و بن بست و ایست، را موجب میشود. استعفا سخنگو و به نوعی لوگوی سابق این جریان که مهره اصلی میدیایی و کمپینز آن هم بود، محصول همین بن بست راست ترین گروههای سیاسی با عنوان جعلی چپ است.

هشتم: در مقایسه با فاشیسم سلطنتی و آریایی و جریان دست راستی حمید تقوایی، مجاهدین خلق بد شانسن ترین قربانی این خانه تکانی های انقلابی است. مشکل اصلی این جریان، در سیاست امروز ایران، برعکس دو جریان قبلی، نه راستگرایی و نه امید به غرب است. مشکل اینها حتی حمل چادر و چاقچور و ارزشهای مذهبی در متن یک انقلاب زنانه هم نیست. مشکل اصلی اینها پایان تاریخ مصرف شان به عنوان عنصر سناریوی سیاه در شرایط سوریه ای شدن ایران است.

جامعه ایران از سالها قبل با سوریه ای کردن جامعه مرز بست و از آن عبور کرد. با شروع این انقلاب و صف متحد مردم و مسیری که پیش میرود، آمریکا و قدرت های غرب را ناچار کرد تا مجاهد را از لیست نیروهای مورد نیاز در سناریوهای سیاه برای ایران، پاک کنند.

برخلاف تحلیل های سطحی، مرخص شدن مجاهد توسط آمریکا، نه به خاطر امتیاز به جمهوری اسلامی، که به دلیل پایان ارزش مصرف مجاهد و خشک شدن سرزمین سیاسی ایران برای کاشت هر نوع نهل سناریو سیاهی از نوع مجاهد و داعش و گونه های دیگر از وحوش «جامعه جهانی» است.

زینرویس/ برای اطلاع از طرح خاورمیانه بزرگ، مراجعه کنید به:

DBxAVZDzA%e%AFzDz%https://www.google.com/search?client=firefox-b-d&q=ZDA D%+AVZDzA%BeDzA%y%DzA%A+ZDzA%BzDzA%AzA%BeDzA%+e%ACzDzA% DzA%AZDzA%+VZDzA%AZDzA%AZDzA%DBzA%oDzA%BzDzA%AZDzA%AVzAEzDzA% DzA%VzA%AZDzA%AZDzA%AF+ZDzA%AZDzA%ADzDzA%AZDzA%AF+ZDzA%BzDzA%Bz ACzADzDzA%

hekmatist.com

یک دنیای بهتر



برنامه حزب حکمتیست را بخوانید!

تماس با حزب



@Hekmatistx

دبیرخانه حزب

dabirxane@hekmatist.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

دبیر کمیته رهبری: خالد حاج محمدی

khaled.hajmohamadi@gmail.com

تشکیلات خارج کشور حزب: آسو فتوحی

aso.fotuhi@gmail.com

دفتر کردستان حزب: سهند حسینی

sahand.sabet@gmail.com

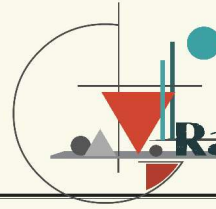
مسئول تبلیغات: فواد عبداللهی

fuaduk@gmail.com

حکمتیست هفتگه

سر دبیر: فواد عبداللهی

صدای آزادی، صدای برابری



Radio  
Nina

radioneena.com

سنا

پخش برنامه های نینا از

کانال یک

برنامه های نینا هر سه شنبه راس ساعت  
۵:۳۰ بعد از ظهر به وقت تهران در  
شبکه تلویزیونی کانال یک پخش میشود.

مشخصات ماهواره:

Yahsat w1A  
12073 عمودی 27500

Eutelsat W3A  
10721 افقی 22000

در هم بستگی با  
مبارزات آزادی خواهانه مردم  
و دفاع از جاد زندان یار سیاسی  
در ایران

روز شنبه ۱۹ نوامبر  
ساعت ۱ بعد از ظهر  
مقابل سفارت جمهوری اسلامی در لندن

تماس: ۰۷۴۸۸۸۶۸۴۶۶

حزب حکمتیست (خطا رسانی) کمیته لندن